

Analyzing the Quranic Basis of the Couple's Relationship and its Effect on the Spiritual Health of the Family

ARTICLE INFO

Article Type
Reasearch Article

Aurhors

Ruhollah Mohammad Alinejad Omran¹
Abdolazim Khoroushi^{2*}
Farzad Dehghani³

How to cite this article

Ruhollah Mohammad Alinejad Omran, Abdolazim Khoroushi, Farzad Dehghani, Analyzing the Quranic Basis of the Couple's Relationship and its Effect on the Spiritual Health of the Family, *Journal of Quran and Medicine*, 2022;7(3):44-56.

1. Associate Professor, Department of Qur'an and Hadith, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: a.khoroushi@hsu.ac.ir

Article History

Received: 2021/09/21

Accepted: 2022/12/01

ABSTRACT

Purpose: The family is a social and sacred entity in Islam. The concept of creation and family is intertwined in the Holy Quran. Complete material and spiritual growth and attainment of the status of a perfect human being depends on the family and its educational and religious components. As two main elements, couples play a significant role in various aspects of health, especially the spiritual dimension of the family. Couples who have built their relationships based on the Qur'an have ensured the health of the family. The present study seeks to answer the following questions; What are the Quranic and legal principles of a couple's relationship? And what effect does the couple's relationship have on the spiritual health of the family based on these principles?

Materials and Methods: The present research has been done by library-citation method and analysis in the form of qualitative (descriptive-analytical) content analysis.

Findings: The Qur'an, while emphasizing the formation of the family, lays the foundations of the couple's relationship under its components; Achieving peace, mercy and affection, romantic relationship, meeting each other's needs, proper companionship in matters such as cooperation and cooperation, avoiding violence, desirable sexual relations and loyalty, and all these foundations have a direct effect on strengthening and developing spiritual health.

Conclusion: Applying Quranic principles in couples' relationships strengthens the individual health of couples and families to achieve the "good life" of the Qur'an, and good life is the same as achieving complete health with the rule and focus of spiritual health, and if couples to spiritual health As a result, the family will also achieve this dimension, and in this case, the Islamic society will move towards this dimension of health.

Keywords: Couples Relationships, Quranic Principles, Family, Spiritual Health

بازکاوی مبنای قرآنی رابطه زوجین و تأثیر آن در

سلامت معنوی خانواده

*نویسنده مسئول: a.khoroushi@hsu.ac.ir

مقدمه

نهاد خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی بشر بشمار می‌رود. نهادی که اهمیت آن همواره در تمام جوامع و همه اعصار مورد توجه بوده است و تلاش شده است که با چالش‌های پیش روی آن به نحوی مواجهه صورت گیرد تا کمترین آسیب به آن وارد آید و همین امر نیز باعث شده است که اصل نهاد خانواده تاحدی از تلاطم حوادث مختلف خود را عبور دهد. با وجود این با صنعتی شدن جوامع و گسترش مدرنیته از یک طرف و تلاش افراد برای هم‌گامی با سرعت این تحولات از طرف دیگر سبب شده است تا روابط زوجین و در نتیجه سلامت معنوی خانواده به شدت به مخاطره افتد؛ به گونه‌ای که امروزه از بحران خانواده سخن به میان می‌آید. جامعه ایران نیز از این اثرات برکنار نبوده است. با وجود اینکه برنامه‌ریزی‌ها و قانونگذاری‌ها در جهت پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط زوجین بوده است به طوری که در دهه اخیر شاهد وضع مقررات مختلفی در حوزه خانواده بوده و هستیم تا وضعیت خانواده‌ها سامان بهتری یابد. با وجود این تلاش‌ها آمارها و مشاهدات وضعیت موجود حکایتی غیر از این دارد؛ آمار بیانگر کاهش شدید ازدواج و در مقابل رشد رو به تزاید طلاق‌های رسمی و قانونی است که این غیر از طلاق‌های خاموش و گسست‌های عاطفی است. بررسی‌ها و مطالعات مختلف صورت گرفته با رویکردهای روانشناسی، جامعه‌شناسی و حقوقی، حکایت از این دارد بسیاری از آسیب‌های خانواده به شیوه تعامل زوجین در روابط با یکدیگر بستگی دارد. خانواده‌هایی که از سلامت معنوی بالاتری برخوردارند از دوام و کیفیت زندگی بیشتر و بهتری بهره می‌برند. این مهم در چند دهه اخیر مورد توجه مراکز علمی دنیا نیز قرار گرفته است و پژوهش‌های حوزه سلامت معنوی رشد چشمگیری داشته است. در این راستا پژوهش حاضر نیز به دنبال پاسخ به این سؤال است که مبنای قرآنی و حقوقی روابط زوجین چیست؟ روابط زوجین بر اساس این مبانی چه تأثیری بر سلامت معنوی آنها دارد؟ در خصوص پیشینه تحقیق نیز لازم به ذکر است که پژوهش‌های انجام شده بیشتر پیرامون عوامل بیرونی و موثر بر ناسازگاری زوجین یا رضایتمندی آنان بوده است و ارتباط مستقیمی با موضوع سلامت معنوی ندارند. به عنوان مثال مقاله به عنوان «نقش صمیمیت زوجین و باورهای معنوی و اعمال مذهبی در پیش‌بینی انسجام و سازگاری خانوادگی» با نگارش آقای علی بیگی و همکاران در سال ۱۳۹۵ در شماره ۱ فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی منتشر شده است. تحقیق مذکور به مبنای قرآنی ارتباط زوجین و تأثیر آن بر سلامتی معنوی نمی‌پردازد. مقاله دیگری با عنوان «رابطه بین کارایی خانواده و دینداری و سلامت روان و مقایسه آن بین دانشجویان دختر و پسر» توسط آقای اصغر جعفری و همکاران در شماره ۲۲ پژوهش‌های مشاوره منتشر شده است که موضوع مذکور نیز جنبه آماری دارد و از حیث محتوایی ارتباطی به نوشتار حاضر

روح الله محمد علی نژاد عمران^۱
دانشیار، گروه قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

عبدالعظیم خروشی^{۲*}

استادیار، گروه حقوق، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول).

فرزاد دهقانی^۳

استادیار، گروه قرآن و حدیث، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

چکیده

هدف: خانواده یک نهاد اجتماعی و مقدس در دین اسلام است و در قرآن کریم مفهوم خلقت و خانواده در هم تنیده است. رشد و بالندگی کامل مادی و معنوی و نائل شدن به مقام انسان کامل در گرو خانواده و مؤلفه‌های تربیتی و دینی آن است. زوجین به عنوان دو ستون اصلی، نقش چشمگیری در ابعاد مختلف سلامت به خصوص بُعد معنوی خانواده دارند، زوجینی که روابط خود را بر مبنای قرآن بنا نهاده‌اند، سلامت خانواده را تضمین کرده‌اند. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سؤالات زیر است؛ مبنای قرآنی و حقوقی رابطه زوجین چیست؟ و رابطه زوجین براساس این مبانی چه تأثیری بر سلامت معنوی خانواده دارد؟

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای - استنادی و تجزیه و تحلیل به صورت تحلیل محتوایی کیفی (توصیفی - تحلیلی) صورت پذیرفته است.

یافته‌ها: قرآن ضمن تأکید بر تشکیل خانواده مبنای روابط زوجین را تحت مؤلفه‌های؛ وصول به آرامش، رحمت و مودت، رابطه عاشقانه، رفع نیازهای یکدیگر، معاشرت شایسته تحت اموری چون معاضدت و همکاری، پرهیز از خشونت، روابط جنسی مطلوب و وفاداری بر می‌شمرد و تمام این مبناها اثر مستقیمی در تقویت و تکامل سلامت معنوی دارد.

نتیجه‌گیری: کاربست مبنای قرآنی در روابط زوجین، سلامت فردی زوج‌ها و خانواده را برای رسیدن به «حیات طیبه» قرآنی تقویت می‌کند و حیات طیبه همان رسیدن به سلامت کامل با حاکمیت و محوریت سلامت معنوی است و اگر زوجین به سلامت معنوی دست یابند بالتبع خانواده نیز به این بُعد نائل خواهد شد و در این صورت جامعه اسلامی به سمت این بُعد از سلامت حرکت خواهد کرد.

کلید واژه‌ها: روابط زوجین، مبنای قرآنی، خانواده، سلامت معنوی.

همسر باشد، شامل می‌شود ولی این معنی به صورت تشبیه نمودن به زنی که بی‌شوهر است استعمال شده است و بدین سبب مرد بی‌همسر را نیز شامل آن معنی نموده‌اند چون مرد بی‌همسر هم در حقیقت بی‌نیاز از همسر نیست نه اینکه تحقیقاً چنین باشد زیرا «ایامی» ویژه زنان بی‌شوهر است (۵۰).

بنابراین «ایامی» جمع «ایم» (بر وزن قیم) در اصل به معنی زنی است که شوهر ندارد، سپس به مردی که همسر ندارد نیز گفته شده است و به این ترتیب تمام زنان و مردان مجرد در مفهوم این آیه داخلند خواه بکر باشند یا بیوه. تعبیر «انکحوا» (آنها را همسر دهید) با اینکه ازدواج یک امر اختیاری و بسته به میل طرفین است، مفهومی است که مقدمات ازدواج آنها را فراهم سازید، از طریق کمک‌های مالی در صورت نیاز، پیدا کردن همسر مناسب، تشویق به مساله ازدواج و بالاخره پا در میانی برای حل مشکلاتی که معمولاً در این موارد بدون وساطت دیگران انجام پذیر نیست (۳۹) باید توجه داشت که مراد از «صالحین» صالح برای ترویج است نه صالح در اعمال (۶۴) و اینگونه تعبیر می‌شود که از غلامان و کنیزان خود که شایستگی و آمادگی این کار را داشته باشد در حقش ازدواج را عملی کنید (۴۸). بنابراین باید با توجه به سیاق آیه فوق‌الذکر به دو نکته توجه داشت. نکته اول اینکه مراد از «الایامی» مردان و زنان مجرد و عذب است و لفظ «عذب» برای کسانی اطلاق می‌شود که مفهوم «تأهل» برای او مصداق داشته باشد یعنی شخص بالقوه امکان تأهل و نیاز به ازدواج داشته باشد ولی بنا به شرایطی، از جمله شرایط مالی، عذب مانده باشند. نکته دوم، مفهوم «الصالحین» که در سیاق واقع شده و بیانگر شایستگی و آمادگی برای ازدواج است.

در اصل ۱۰ قانون اساسی نیز از خانواده به عنوان واحد بنیادی جامعه اسلامی یاد شده و تأکید شده همه قوانین و برنامه‌ریزی‌ها باید «در جهت پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». در اصل ۴۳ قانون اساسی نیز فراهم‌سازی امکان تشکیل خانواده برای همه تأکید شده است. با وجود این آمارها در سالهای اخیر بیانگر کاهش چشمگیر ازدواج و بالارفتن آمار طلاق و جدایی‌های رسمی است که در نمودار زیر بر حسب آمار به تصویر کشیده شده است.

ندارد. بنابراین می‌توان گفت پیرامون موضوع این نوشتار، از حیث موضوع و شیوه مطالعه تحقیقات اندکی وجود دارد.

مفهوم‌شناسی خانواده

نزدیک‌ترین لفظ برای مفهوم خانواده در زبان عربی «أهل» است که در لغت در معانی خانواده، خاندان، سزاوار و شایسته، انس و اختصاص و تعلق داشتن به چیزی است (۱۶، ۹، ۳۰، ۲۵، ۵۰، ۴۲) با این تعبیر که «أهل الرجل» یعنی کسانی که نسبی یا دینی یا چیزی همانند آنها مثل خانه‌ای و شهر و بنایی آنها را با یکدیگر جمع و مربوط می‌کند و آنها را اهل و خانواده آن شخص گویند، پس «أهل الرجل» در اصل کسانی هستند که مسکن و خانه‌ای واحد، آنها را در یک جا جمع و فراهم می‌آورد (۹). سپس این معنی توسعه یافته و گفته‌اند «أهل بیت» یعنی کسانی که نسب خانوادگی وسیله جمع آنهاست (۹).

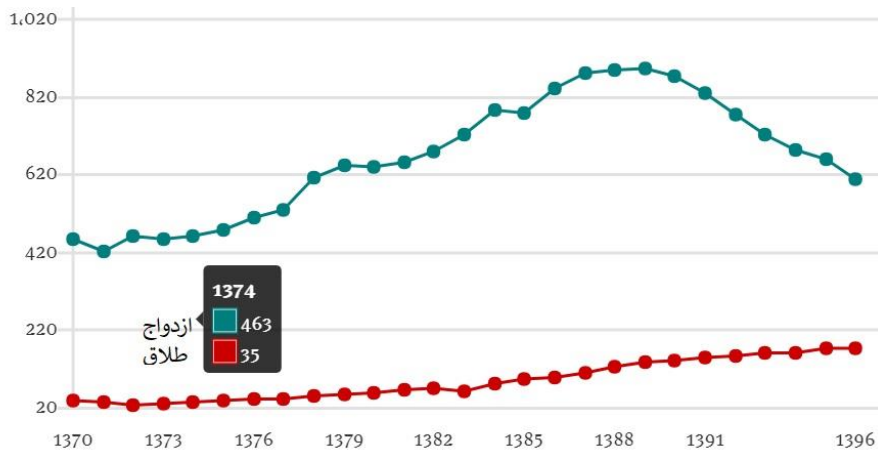
در فقه اگرچه به حقوق و تکالیف اعضای خانواده پرداخته شده است ولی تعریفی از نهاد خانواده دیده نمی‌شود. از منظر حقوقی نیز تعریف واحدی از خانواده وجود ندارد ولی به طور کلی خانواده به عنوان گروهی که به دلیل قرابت یا زوجیت، همبستگی حقوقی و اجتماعی یافته و تحت رهبری و ریاست مقامی قرار گرفته است، تعریف شده است (۳۵) در اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند ۳ از ماده ۱۶ نیز خانواده به عنوان: «یک گروه طبیعی و اساسی از واحد اجتماعی که شایسته حمایت جامعه و دولت» است تعریف شده است. به هر حال تعاریف مربوط به خانواده اگرچه حسب جوامع و زمان‌ها که تمایل به خانواده گسترده یا محدود داشته‌اند متفاوت است لیکن در ماهیت و شناخت آن درک واحدی وجود دارد.

ضرورت تشکیل خانواده

قرآن به ضرورت تشکیل خانواده تأکید کرده است «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۱ (نور/۳۲).

«ایم» به مردان و زنانی اطلاق می‌شود که زوج (همسر) ندارد، چه باکره باشد، چه مطلقه باشد و چه بیوه (نک: ۳۰ و ۲۳ و ۲۷). این فارس می‌نویسد مراد زنی است که شوهر ندارد و مردی است که همسر ندارد (۲۵). راغب اصفهانی می‌نویسد «الایامی» جمع «ایم» است یعنی زنی که بی‌شوهر است و گفته‌اند مردی را هم که بدون

^۱ [مردان و زنان] بی‌همسران و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید اگر تهیدستانند، خدا آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند و خدا بسیار عطا کننده و داناست.



نمودار ۱. آمار ازدواج و طلاق

در یک بُعد می‌تواند ناشی از آسیب در ابعاد دیگر باشد که در این میان بُعد معنوی خیلی تعیین کننده و اساسی است (۱۳).

یکی از زمینه‌های عمده بیماری‌ها و مشکلات روانی، احساس پوچی، بیهودگی و تزلزل روحی ناشی از فقدان سلامت در بُعد معنوی افراد است. ایمان، هدف‌دار بودن زندگی، پای‌بندی به مسائل معنوی زندگی باعث کاهش تزلزل و اضطراب می‌شود (۷). از منظر روانشناسان در ایمان به خدا، نیروی خارق‌العاده وجود دارد که نوعی قدرت معنوی به انسان متدین می‌بخشد و در شرایط بحرانی او را نجات می‌دهد (۳۶). مفهوم «معنویت» و «سلامت معنوی» هر چند در نگاه اول بی‌ارتباط با علوم پزشکی است اما در عمل از جهات مختلف با آن‌ها در ارتباط است و باید به این نکته توجه کرد که مقوله مراقبت و سلامت معنوی مفاهیمی جدید در نهاد پزشکی و درمانی کشور هستند، ورود و پذیرش آن از سوی تیم مراقبت و بیماران نیازمند، توجه به بسترهای فرهنگی- اجتماعی موجود و زمینه‌سازی فرهنگی می‌باشد که با تکیه بر پیش زمینه‌های اعتقادی در جامعه اسلامی می‌تواند بستر مناسبی برای ورود تدریجی مفاهیم مورد نظر به حوزه درمان و نظام سلامت باشد (۱).

بر اساس مبانی دینی نیز مفهوم سلامت در چهار بعد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی قابل مطالعه است. از این منظر سلامتی به سطحی از عملکرد اشاره دارد که در آن فرد با خود و سبک زندگی‌اش آسوده و بی‌مشکل باشد. به عبارت دیگر سلامت آن ظرفیت آدمی است که به شکوفایی فطرت توحیدی از طریق برقراری روابط مستحکم با خدا، ایجاد نظام ارزشی شخصی قدرتمند، داشتن هدف متعالی در زندگی، روابط سالم و سازنده با خود و دیگران و حسن عمیق عرفان به طبیعت و نظام هستی، به دست می‌آید. مفهوم قرآنی «حیات طیبه» معادل «سلامت در همه ابعاد آن» است زیرا انسان برخوردار از سلامت در بعد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی، انسان سعادت‌تمندی است که در سایه ایمان و عمل صالح (نک: نحل/۷۲) به چنین حیاتی می‌رسد (۷). یافته‌های پژوهش‌های خراشادی زاده و همکاران حاکی از آن است که مشخصات تعیین کننده سلامت معنوی شامل ۴ طبقه خالق‌گرایی عاشقانه، عقلانیت دینی، وظیفه‌گرایی و آخرت‌نگری می‌باشد، پیش‌آیندهای سلامت معنوی ۳ طبقه درک نظام دو بعدی، درک کرامت روحانی، درک مختار

طبق آخرین آمار ثبت احوال کشور، ۱۲۷۳۱۸ ازدواج در نیمه نخست سال ۹۹ ثبت شده است و در بهار این سال تعداد ۳۴۶۵۹ طلاق واقع شده است که نسبت بین این دو واقعه به بیش از ۳ ازدواج به ازای هر طلاق اشاره دارد.

سلامت معنوی

طی چند دهه‌ی اخیر توجه چشمگیری به موضوع معنویت در مراکز علمی معتبر دنیا شده است و مقالات زیادی در این زمینه به چاپ رسیده است. تعداد مقالات چاپ شده با عنوان معنویت در سالهای ۱۹۵۹ تا ۱۹۸۰ از سه هزار و هشتصد و سه مقاله، به هشت هزار و صد و نود و سه مقاله فقط طی سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ رسیده است که این نشان از یک جهش سریع در چاپ مقالاتی با این عنوان می‌باشد (۲۹). سلامت معنوی به عنوان یکی از ابعاد سلامت و شاید مهم‌ترین آن‌ها، در کنار بعد جسمی، اجتماعی و روانی توسط سازمان بهداشت جهانی تعریف شده است (۱۹). «سلامت معنوی» به عنوان یکی از ابعاد سلامتی در کنار یا پیوند؛ سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی مطرح شده است (۱۳). مهم‌ترین بُعد انسان بُعد معنوی اوست که باعث هدفمندی زندگی شده و بر سلامت دیگر ابعاد نیز تأثیر مستقیم می‌گذارد. سلامت معنوی در رأس ابعاد دیگر سلامت انسان قرار دارد، وقتی سلامت معنوی فرد بالاتر باشد به خداوند نزدیک‌تر است (۵۷) و ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی فرد در این حالت نرمال‌تر است. پژوهش‌ها و یافته‌های منتشر شده که مبتنی بر معنویت و کل‌نگری است بسیاری از منابع علمی جدید اتفاق نظر دارند که سبب‌شناسی اختلالات روانی و مشکلات روانی- اجتماعی در یک یا چند گروه گنجانده می‌شوند: عوامل جسمانی (ارگانیک)، عوامل روان‌شناختی (روانی)، عوامل اجتماعی (محیطی) و عوامل معنوی. با توصیف چهار بُعدی از انسان، مفهوم ساده قدیمی جسم و روان به رابطه پویا، نزدیک و جداناپذیری در ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی تبدیل می‌شود. این چهار بُعد و به ویژه پیوند جسم و روان پیوندی نزدیک و درهم تنیده و جداناپذیر از هم است. پویایی تعامل متقابل آن‌ها به گونه‌ای است که هر خلل و آسیب در یک بُعد موجب اثر و آسیب در بُعد دیگر می‌شود. همچنین آسیب

صالح دینی از زبان حضرت ابراهیم (ع) وجود دارد (نک: بقره/۱۲۸). بنابراین سلامت خانواده از منظر قرآن از رابطه زوجین که بنیان‌های اصلی خانواده هستند می‌گذرد و سلیم رابطه منجر به سلامت جسمی خانواده و در نهایت سلامت معنوی آن‌ها می‌شود.

رحمت و مودت

در تعبیری دیگر تشکیل خانواده از نشانه‌های قدرت و ربوبیت خداوند معرفی شده است «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم/۲۱)؛ در آیه فوق‌الذکر بخش دیگری از آیات انفسی را که در مرحله بعد از آفرینش انسان قرار دارد مطرح کرده می‌فرماید: «دیگر از نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش بیابید» و از آنجا که ادامه این پیوند در میان همسران خصوصاً و در میان همه انسان‌ها عموماً، نیاز به یک جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد به دنبال آن اضافه می‌کند: «و در میان شما مودت و رحمت آفرید» و در پایان آیه برای تأکید بیشتر می‌فرماید: «در این امور نشانه‌هایی است برای افرادی که تفکر می‌کنند» قرآن در این آیه هدف ازدواج را سکونت و آرامش قرار داده است، و با تعبیر پر معنی «لتسکنوا» مسائل بسیاری را بیان کرده است (۳۹). در آیه مذکور خداوند علاوه بر نعمت آرامش در رابطه زوجین به دوستی و مودت مخصوص اشاره می‌کند که در صورت فقدان این رحمت و مودت زندگی خانوادگی با مشکلاتی روبرو می‌شود و شاهد بر این مدعا وجود طلاق‌های در جامعه است که دلیل عمده آن‌ها عدم مودت و دوستی بین زوجین است، در مورد اینکه چگونه رحمت و مودت بین زوجین منجر به سلامت معنوی خانواده می‌شود؟ باید افزود ایجاد مودت و رحمت در میان زوجین که هیچ‌گونه سابقه قبلی نداشته یکی از علائم و نشانه‌های وجود و یکتایی پروردگار است به همین دلیل در انتهای آیه اضافه می‌کند «و اینگونه مطالب برای افرادی حائز اهمیت خواهد بود که اهلیت تفکر و تدبیر را داشته باشند». یکی از روشن‌ترین جلوه‌گاه‌ها و موارد خودنمایی مودت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است، چون زن و شوهر در محبت و مودت ملازم یکدیگرند و این دو با هم و مخصوصاً زن، فرزندان کوچکتر را رحم می‌کنند، چون در آنها ضعف و عجز مشاهده می‌کنند و می‌بینند که طفل صغیرشان نمی‌تواند حوائج ضروری زندگی خود را تأمین کند، لذا آن محبت و مودت وادارشان می‌کند به اینکه در حفظ و حراست و تغذیه، لباس، منزل و تربیت او بکوشند، و اگر این رحمت نبود، نسل به کلی منقطع می‌شد، و هرگز نوع بشر دوام نمی‌یافت (۶۴). براین اساس با ظهور و بروز «رحمت» و «مودت» در رابطه زوجین سلامت معنوی زوجین و خانواده تأمین شده و استحکام و سعادت‌مندی خانواده تضمین می‌شود.

شد، زن و شوهر پروردگارش را خوانند که: اگر به ما فرزندی تندرست و سالم عطا کنی، مسلماً از سپاس‌گزاران خواهیم بود.

بودن و پیامدهای سلامت معنوی به ۵ طبقه، «خلیفه‌گری، طهارت دائمی فراگیر، تعادل روحی- روانی و رفتاری، جاودانگی و معنی- گرایی دائم» می‌باشد (۳۷). در پژوهش حاضر به مبنای قرآنی روابط زوجین پرداخته و تأثیر آن‌ها در سلامت معنوی ارزیابی می‌شود.

مبنای قرآنی

در ادامه مبنای قرآنی بررسی می‌شود.

آرامش نتیجه مورد انتظار قرآن در رابطه زوجین در فرهنگ قرآن برای آرامش مشتقات «سکن» استعمال می‌شود. «سکون» در لغت برخلاف حرکت است (۱۶) اصل سه حرفی واژه دلالت بر عدم اضطراب و حرکت دارد (۲۵). ایستادن و ثابت شدن چیزی بعد از حرکت و ساکن شدن و منزل گزیدن در معنای سکون استفاده می‌شود (۴۹). «سکون» مد نظر در رابطه زوجین معنای آرامش، اطمینان و نداشتن تزلزل و اضطراب است (۴۲).

اهمیت خانواده در قرآن به اندازه‌ای است که خداوند در اشاره به خلقت انسان‌ها، به لوازم خلقت که همان خانواده است و فلسفه تشکیل آن اشاره می‌کند «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلٌ خَفِيًّا قَمَرَتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبُّهَا لَنْ يَأْتِيَنَا صَالِحاً لَنُكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف/۱۸۹)؛ «سکون» در مقابل حرکت و اعم است از حالت استقرار مادی و معنوی و سکون معنوی عبارت است از حالت طمأنینه، باید توجه داشت که برنامه در زندگی انسان‌ها استقرار فکری و طمأنینه حال افراد است به أزواج آن‌ها که نساء باشند. خداوند در این آیه به هم سنخ بودن اشاره می‌کند با این تعبیر که از سنخ خودش همسر آفرید، هم سنخ بودن آرامش به ارمغان می‌آورد (۲۰). باید توجه داشت که هم سنخی اصلی‌ترین مؤلفه وصول به آرامش است در این حالت است که شخص می‌تواند با همسر خود رابطه قلبی داشته و با یکدیگر انس یابند (نک: ۲۲ و ۱۸) و در صورت هم سنخ نبودن آرامش حاصل نخواهد شد.

در آیه مذکور به یکی از فلسفه‌های ازدواج، آرامش اشاره می‌کند و هم به فرزندآوری و تلاش و دعا برای فرزندان برخوردار از سلامت جسمانی و معنوی را تصویرسازی می‌کند. اگر رابطه زوجین منجر به آرامش شود، بنیان یک خانواده سالم و دارای سلامت معنوی در تراز سبک زندگی اسلامی بنا نهاده می‌شود، به همین سبب خداوند بعد از ذکر این نکته به وضع حمل و فرزندآوری اشاره کرده و دعای والدین را برای داشتن فرزند صالح از خداوند نشان می‌دهد. هر چند براساس سیاق باید مراد از «صالح» را تندرستی و سلامت جسم و به تعبیری صالح برای زندگی و بقاء به اینکه فرزندی تام‌الخلق و بی-عیب و آفت باشد، دانست (نک: ۶۴) از آنجایی که لحن آیه از زبان والدین، لحن دعایی است و آن چیزی که متناسب با این لحن و طرف دعا (خداوند) است، عمومیت لفظ «صالح» است به گونه‌ای که هم شامل صالح جسمی و دینی شود، همان‌طور که درخواست فرزندان

۱. او کسی است که شما را از یک تن آفرید، و همسرش را از او پدید آورد تا در کنارش آرامش یابد پس هنگامی که مرد با زن آمیزش نمود، زن به حملی سبک حامله شد، پس با آن حمل سبک، زندگی را ادامه داد پس چون سنگین بار

رابطه عاشقانه

خداوند یک مبنای رابطه زوجین را «لباس هم بودن» بیان کرده است با این تعبیر که «... هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...» (بقره/۱۸۷)؛ آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید.

برخی لباس بودن را کنایه از شدت ارتباط زن و مرد در امر روابط جنسی گرفته‌اند (نک: ۱۰ و ۱۸) عده‌ای جمله را مستأنفه ولی به منزله بیانیه دانسته‌اند با این تعبیر که سبب حلال شدن آمیزش در شب روزه را بیان می‌کند و سبب حلیت این است که زوجین در آمیزش یکدیگر را در آغوش می‌کنند و صبر و شکیبایی از کف می‌دهند به همین سبب خداوند در این زمان هم اجازه داده است (۶۳). تعبیر دیگر درباره مبنای «لباس بودن» استعاره‌ای برای تمثیل رابطه جنسی زن و مرد است با این بیان که زن و مرد برای یکدیگر، لباس وقار، عفاف و پوشش‌اند. آن پرده وقاری که از آمیزش مشروع مرد و زن بر چهره ظاهر و درونی انگیزه‌های حیوانی و طغیان شهوت کشیده می‌شود، حافظ رسوایی، پرده‌داری و سبک‌سری است (۶۶). علامه طباطبایی می‌نویسد: «ظاهر از کلمه لباس همان معنای معروفش می‌باشد، یعنی جامه‌ای که بدن آدمی را می‌پوشاند و این دو جمله از قبیل استعاره است، برای اینکه هر یک از زن و شوهر طرف دیگر خود را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه دادن آن در بین افراد نوع جلوگیری می‌کند، پس در حقیقت مرد لباس و ساتر زن است، و زن ساتر مرد است» (۶۴). بنابراین مفسران همه مؤلفه‌های لباس را در صورت استعاره بودن برای رابطه زوجین هم ذکر کرده‌اند، با این بیان که لباس انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیاء به بدن حفظ می‌کند و عیوب او را می‌پوشاند و زینتی است برای تن آدمی، این تشبیه که در آیه فوق آمده اشاره به همه این نکات است (۳۹). با بیان مذکور رابطه زوجین در سه سطح بازنمایی می‌شود، اولی این است که با رابطه جنسی داشتن از گناه افتادن دیگری ممانعت می‌کنند، دومی زوجین باید نسبت به یکدیگر عیب پوشی کنند و عیب یک طرف را برملا نکنند و سوم اینکه بودن هر دو کنار هم به اقتضای فطرت، طبیعت انسانی و دین باعث زیبایی هم می‌شود.

باید توجه داشت که سطوح فوق‌الذکر سلامت معنوی خانواده را در رابطه زوجین تضمین می‌کند، چون این تعبیر نهایت ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آن‌ها را به یکدیگر و نیز مساوات آن‌ها را در این زمینه کاملاً روشن می‌سازد، تعبیری که در باره مردان آمده در باره زنان هم بدون هیچ تغییری آمده است (۳۹).

محتمل است تعبیر «لباس بودن» در رابطه زوجین فقط بیانگر نکات فوق‌الذکر نباشد بلکه بر مبنای مستحکم‌تر در بنیان خانواده و تأمین سلامت معنوی تأکید می‌کند، حلقه مفقوده فهم آیه شریفه عدم توجه به انسان شناسی پوشاک است. از نظر انسان شناسی فرهنگی دو نوع لباس است. یک نوع لباس پیچیدنی که این نوع لباس از نوع دوخته نشده بودند و مردم شبه جزیره عربستان به دلیل عدم رایج بودن صنعت دوخت و دوز از این نوع لباس‌ها استفاده می‌کردند، برخی عواملی چون هوای گرم، آسایش بیشتر و.. در استفاده از لباس دوخته نشده دخیل بوده است (نک: ۵۸)، و نوع دوم لباس ساخنی

(دوختنی)، لباس رایج دوم لباس دوخته شده بود که به «قمیص» تعبیر می‌شد، این نوع لباس دارای آستین بوده و در قالب بدن دوخته می‌شد (۳). باید توجه داشت که رابطه لباس دوخته نشده با بدن، پیچیدن است و رابطه لباس دوخته شده با بدن، نصب است. رابطه شخص با لباس در لباس دوخته شده یک رابطه دو طرفه نیست، شخص می‌تواند مالک لباس باشد و لباس برای او باشد ولی لباس نمی‌تواند مالک شخص باشد ولی رابطه شخص با لباس در لباس پیچیدنی می‌تواند دو طرفه باشد.

مسئله پیچیدن چیزی به چیز دیگر در زبان و فرهنگ برخی از ملت‌ها به معنای عشق، یعنی دوست داشتن و محبت است. دقیقاً واژه ای که در زبان عربی برای دوست داشتن به کار برده می‌شود، ماده فعلی «عَشِقَ» یعنی در هم پیچیدن (۸). عَشِقَ فُلَانٌ فُلَانًا یعنی او با فلانی در هم پیچیدند. وقتی گیاهی به گیاه دیگر می‌پیچد در زبان عربی به آن «عَشَقَه» این همان گیاهی است که در فارسی به آن «پیچک» می‌گویند (۷۰). پس معنای اولیه «عَشِقَ» به معنای در هم پیچیدن است و کاربردش برای عشق یک نوع استعاره است در فرهنگ دوره پیش از اسلام.

در آیه مذکور دو تا استعاره را در کنار هم قرار گرفته‌اند. اولاً «در هم پیچیدن» استعاره ای است برای بسیار دوست داشتن و اگر در نظر گرفته شود که در اینجا راجع به لباس پیچشی صحبت می‌شود نه لباس ساخنی، می‌توان کاملاً این مسئله را درک کرد که در آیه مردان لباس زنان و زنان لباس مردان می‌تواند یک رابطه دو طرفه برقرار شود، به این معنا که زنان در واقع کسانی هستند بر گرد مردان می‌پیچند از باب عشق و از باب پیچش عاشقانه و مردان هم همین نسبت را به زنان دارند. آیه درباره عشق متقابل همسران صحبت می‌کند. با همین بذل کمال عشق زوجین به هم است که بنیان خانواده مستحکم شده و سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و از همه مهم‌تر سلامت معنوی تأمین می‌شود، تمام دستورات خداوند در حیطه خانواده به کار بسته می‌شود، و در پرتو تأمین سلامت معنوی زوجین فرزندان این خانواده در تراز خانواده سبک زندگی اسلام تربیت می‌شوند.

فقدان رابطه عاشقانه و صمیمی منجر به انواع جدایی‌هایی می‌شود که در فرایند طلاق پیش می‌آید. برای جدایی و طلاق انواع مختلفی برشمرده شده است که عبارتند از طلاق عاطفی، طلاق روانی، طلاق قانونی، طلاق اقتصادی و طلاق اجتماعی. انواع طلاق‌ها را در دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد که شامل «طلاق آشکار» و «طلاق پنهان» می‌شود. طلاق آشکار طلاقی است که زوجین با مراجعه به دادگاه از یکدیگر جدا می‌شوند. طلاق پنهان شامل انواع طلاق‌هایی می‌شود که از هر نظر ویژگی‌های طلاق آشکار را دارند اما به سبب ملاحظات مانده ملاحظات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و قانونی شکل آشکار به خود نمی‌گیرد. (۱۴). طلاق خاموش یا طلاق عاطفی که از رایج‌ترین و در عین حال آسیب‌زاترین آنهاست، به سردی روابط زوجین گفته می‌شود که به تدریج تمام جنبه‌های ارتباطی بین زن و شوهر از ارتباط جسمی تا کلامی را در بر می‌گیرد. طلاق خاموش اولین فرآیند طلاق قانونی است و بیانگر روابط رو به زوال است (۴) و تهدید پنهان خانواده‌ها به شمار می‌رود که ناشی از غفلت

در بهداشت و سلامت روانی و معنوی زوجین بر پایه سبک زندگی و تربیت اسلامی است.

رفع نیازهای زن تحت قوامیت

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...» (نساء/ ۳۴) است.

تحلیلی بر «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»

در گام اول برای تبیین آیه شریفه باید کلید واژه اصلی که همان «قَوَّامُونَ» است، باز کاوی شود. اصل واژه مذکور در خانواده زبان‌های سامی چون آرامی قدیم، آرامی جدید، سریانی، مندایی، اکدی، هزوارش و آرامی یهودی در معنای برخاستن و ایستادن بکار رفته است (۴۳). در زبان عربی نیز از «قَوْمٌ، قِيمٌ» در معنای ایستادن است گفته می‌شود: قام الرجل قیاماً (۳۰ و ۴۹). قیام نقیض جلوس است. مصطفوی می‌نویسد: اصل واحد در ماده «قَوْمٌ» در معنی انتصاب و انجام عملی مادی یا معنوی است (۴۲).

واژه مذکور در نگاه مفسران به معانی متعددی بکار رفته است. از جمله؛ مراد از «قوامون» یعنی «مسلطون فی أمور النساء و تأدیبهن» (۵۶ و ۶۱)، «بالتأدیب و التدیبر لما» (نک: ۶۹، ۴۴، ۴۰، ۵) «مسلطون علی آداب النساء» (۶۰ و ۵۱). عده‌ای نوشته‌اند: مراد اقامه به امر و نهی زنان است همان‌گونه که ولی نعمت‌ها بر رعیت خود امر و نهی می‌کنند (۶۳ و ۷۱ و ۱۲ و ۴۱ و ۱۸ و ۲۱ و ۴۷ و ۵۹). برخی با این تعبیر نوشته‌اند: یعنی رئیس زن، بزرگ زن و حاکم بر زن و زن را در موقع انحرافات تأدیب می‌کند (۲۶). همچنین «قیمون علی النساء مسلطون علیهن فی التدیبر و التأدیب و الریاضه و التعلیم» (۶۲). برخی نیز نوشته‌اند یعنی سرپرستی خانواده، در اسلام مرد سرپرست خانواده است نه زن (۴۸).

باید توجه کرد که هیئت «قوامون» صیغه مبالغه از «قائمة» است و دلالت بر کثرت و پافشاری، ایستادگی و تلاش برای چیزی است (نک: ۲۴ و ۱۵ و ۴۵ و ۲۸ و ۱۰ و ۱۱ و ۶۴) و بنابراین تبیین براساس هیئت مبالغه اینگونه تعبیر می‌شود که مردان به نهایت ایستاده در مقابل زنان هستند و این تعبیر به نوعی معنای عرفی است که انگار ذکر شده باشد مردان دست به سینه ایستاده در مقابل زنان هستند و درست به خاطر تبیین مذکور است که برخی نوشته‌اند مردان خدمتکار زنان هستند (۳۹). با این تعبیر از نظر زبانشناسی دیدگاه‌های اغلب مفسران صحیح نمی‌نمایند. با توجه به سیاق آیه شریفه، نسبت برتری مابین خدمتگذار بودن مردان به زنان و نفقه دادن به زنان است. همنشینی این سه مؤلفه دلالت قسمت اول آیه را به وضوح روشن می‌نماید بدین تعبیر که اگر مردان باید خدمتگزاران زنان خود باشند به خاطر برتری است که به واسطه آن فضیلت و برتری مردان می‌تواند به زنان خود بخشش مالی کنند. نفقه و بخشش مالی نتیجه برتری است چنانچه برخی برتری مرد بر همسرش را در انفاق بر او می‌داند (۵۶)، به گونه‌ای که برتری ارتباط مستقیمی با نوع کسب درآمد و تأمین معیشت و اقتصاد خانواده دارد همانگونه که خدمتکار بودن هم در یک سطحی به این سبب است اما چیزی که

سبب برتری اقتصادی مردان به زنان می‌شود به سبب برتری در چپه و قدرت بدنی مردان به زنان (۲۰) و وضعیت شغلی سخت آن زمانی است که نیازمند قدرت بدنی بود.

در ادامه آیه تصویری از زن در تراز سبک زندگی اسلامی را معرفی کرده است «... فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...» (نساء/ ۳۴)؛ مراد از «صلاح» همان معنای لغوی کلمه است که به معنای لیاقت شخصی نیز تعبیر می‌شود (۶۴). به تعبیری در آیه فوق- الذکر خداوند یک خانواده شایسته و دارای همه ابعاد سلامت را مدنظر قرار داده است، در ابتدای آیه وظایف مردان نسبت به همسران خود را بیان کرده است که باید خدمتگذار همسر خود بوده و تمام نیازهای او را برطرف کند، سپس به رفع نیازهای اقتصادی همسر که به نوبه خود ارتباط عمیقی با سلامت بنیان خانواده دارد، پرداخته است و تصویری از یک مرد ایده آل و متناسب با فرهنگ قرآن را از مردان نشان می‌دهد.

از منظر فقهی نیز مرد مکلف است آنچه نیازهای زن در عقد دائم است و از آن با عنوان «نفقه» یاد می‌شود را برآورده سازد. در قانون مدنی نیز در ماده ۱۱۰۷ به این تکلیف اشاره شده است. در این ماده در تعریف نفقه آمده است: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض». از منظر فقهی تکلیف شوهر به پرداخت نفقه تابع شرایط اقتصادی او نیز نمی‌باشد و باید نیازهای ضروری و متعارف زن را برآورده سازد. (۳۸ و ۵۲).

در ادامه سیاق توصیف و شایستگی زنان را نسبت به چنین همسرانی بیان می‌کند و با «صالحات» آغاز کرده که متناسب با لحن و سیاق آیه چنین تعبیر می‌شود؛ «زنانی که لایق چنین مردانی باشند یعنی اگر مرد ایده آل است زن نیز برای چنین مردی ایده آل باشد»، مؤلفه دومی از زنان را با «قانتات» تعبیر می‌کند، اصل واژه «قنت» دلالت بر طاعات و خیر در دین است (۲۵). برخی از مفسران این مؤلفه را در معنای مطیع خداوند بودن گرفته‌اند (۵۳ و ۶۳)، بنابراین وقتی زنان در مقابل یک همسر ایده آل و دارای سلامت معنوی قرار گرفتند باید خود دارای سلامت معنوی بوده و تلاش کنند با انجام وظایفی و باید‌ها و نبایدهای که خداوند مشخص کرده است، بنیان خانواده را مستحکم‌تر کنند.

صالحان و درستکاران و آنها کسانی هستند که خاضع و متعهد در برابر نظام خانواده می‌باشند و نه تنها در حضور شوهر بلکه در غیاب او، «حفظ الغیب» می‌کنند، یعنی مرتکب خیانت چه از نظر مال و چه از نظر ناموس و چه از نظر حفظ شخصیت شوهر و اسرار خانواده در غیاب او نمی‌شوند، و در برابر حقوقی که خداوند برای آنها قائل شده و با جمله «بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» به آن اشاره گردیده و وظائف و مسئولیت‌های خود را به خوبی انجام می‌دهند. مردان موظفند در برابر این گونه زنان نهایت احترام و حق- شناسی را انجام دهند (۳۹). در این تعبیر که درباره مؤلفه‌های زنان صالح است در واقع حکم مربوط به شؤون زوجیت است و کیفیت معاشرت منزلی را بیان کرده است (۶۴). و کاربست کامل بایسته‌های آیه مذکور از طرف زوجین سلامت معنوی خانواده را تضمین می‌کند.

معاشرت شایسته

یکی دیگر از مبنای قرآنی رابطه زوجین در قرآن، «معاشرت شایسته» است که خداوند صریحاً در این مورد امر کرده است «... وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» (نساء/ ۱۹)، بیان آیه در مورد حسن معاشرت با زن‌ها است هر چند اگر مرد قلباً از زن ناراحت باشد، مراد از معروف پرداخت حقوق زن و نداشتن خشونت کلامی و .. است (۶۷). معاشرت، زینت مشترک و تبادل حق است، حقوقی که بر مبنای معروف است، همان مسائلی است که عقل فطری و سنت‌های شایسته اجتماع بیسند و بشناسد. به همان اندازه که زن باید وظائف و مسؤولیت‌هایی را که ساختمان روحی، جسمی و عرف عمومی جامعه به او محوّل کرده، به نحو احسن انجام دهد، مرد هم باید به وظائف خود که از جمله تأمین مایحتاج زندگی، آیین زندگی و آسایش همسر است، به درستی و کامل انجام دهد و نباید استبداد و خشونت و عمل کارهای بیش از مسؤولیت را بخواد که باعث سستی بنیان خانواده می‌شود (۶۶). مردان باید با همسران خود حسن رفتار داشته باشند و همواره معاشرت به صورت گشاده‌رویی و گفتار نیک باشد، چون زنان یکی از بنیان‌های اصلی خانواده‌اند و نقش مؤثری در تربیت فرزندان دارند. اگر هر یک از زوجین حقوقی که در نسبت با طرف مقابل به عهده دارد را به خوبی انجام دهد و با حسن رفتار به جا بیاورد، بنیان خانواده مستحکم‌تر می‌شود (نک: ۲۲).

باید توجه داشت که معاشرت نیکو فقط در تقسیم نفقه و گفتار پسندیده نیست (نک: ۶۳ و ۳۴) بلکه مفهومی بنیادین است که کرامت، شخصیت و منزلت زوجین را در خانواده تضمین کرده و باعث سلامت کل اعضای خانواده می‌شود. به همین سبب است که برخی مراد از معاشرت نیکو را معاشرت و همزیستی کردن مطابق با عدل، انصاف و انسانیت (نک: ۴۸ و ۳۹) و سازگاری (نک: ۲) گرفته‌اند. کلمه «معروف» به معنای هر امری است که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند و انکار نکنند و به آن جاهل نباشند، چون دستور معاشرت کردن با زنان را مقید به قید «معروف» کرد، قهراً معنای امر به معاشرت با زنان معاشرتی است که در بین مسلمانان معروف است (۶۴). از این دستور مهم قرآنی چنین بر می‌آید که زنان نیز باید با مردان حسن معاشرت داشته باشند، چون غالباً خشونت کلامی و .. معمولاً از طرف مردان دیده می‌شود، به همین سبب مردان مورد خطاب قرار گرفته‌اند. از لحن و سیاق آیه چنین مستفاد است که به طریق اولی زن هم نسبت به همسر خود حسن معاشرت داشته باشد. از آنجایی که ملاک و مؤلفه‌های «معروف» را فرهنگ دینی تعیین می‌کند، بر این اساس کاربست این مبنا باعث تقویت بنیان خانواده متناسب با سبک زندگی اسلامی شده و تمام اعضای خانواده به سبب وجود گفتمان معاشرت مبتنی بر کرامت و احترام متقابل دارای شخصیت معنوی سالم خواهند بود. معاشرت شایسته زوجین علاوه بر اینکه تکلیفی اخلاقی و معنوی است تکلیفی حقوقی نیز به شمار می‌آید. ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی زن و شوهر را مکلف به «حسن معاشرت» با یکدیگر دانسته است. اینکه حسن معاشرت یا معاشرت شایسته شامل چه مواردی می‌شود مصادیق آن حسب مقتضیات زمان و مکان و آداب و رسوم اجتماعی متفاوت خواهد بود اما به طور کلی حسن معاشرت اقتضا دارد که

زن و شوهر با خوشروئی و صمیمیت و احترام با یکدیگر برخورد کنند و از مجادله و ناسزاگویی پرهیز کنند (۵۴). در ادامه به برخی از برجسته‌ترین مصادیق آن به تفصیل بیشتری پرداخته می‌شود.

معاذت و همکاری

خانواده در مفهوم خاص و مضیق خود گروهی متشکل از زن و شوهر است. بقاء و موفقیت هر گروه یا واحد اجتماعی در گرو همکاری اعضای گروه است و بدون همکاری و معاضدت گروه دوام نمی‌یابد یا کارایی خود را از دست می‌دهد. خانواده نیز به عنوان یک گروه اجتماعی از این امر مستثنی نیست. در قانون مدنی در ماده ۱۱۰۴ به این امر اشاره شده و مقرر گردیده است «زوجین باید در تشدید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند». هدف اصلی ازدواج همکاری در زندگی و اشتراک مساعی زوجین در تأمین رفاه و سعادت خانواده است. معاضدت زوجین مفهومی عرفی است که حدود آن حسب مقتضیات زمان، مکان، شرایط کاری و اجتماعی زن و شوهر متفاوت است و حسب این موارد هریک از امورات مختلف خانه مانند خرید یا نگهداری و مراقبت از فرزندان با یکدیگر همکاری نمایند و انجام این امور با رضایت قلبی باشد و در مقابل عوض انجام نشود (۵۴). البته عدم انجام وظیفه معاضدت از سوی هر یک از زوجین دارای ضمانت اجرای حقوقی نیز می‌باشد مانند اینکه زن می‌تواند با مراجعه به دادگاه الزام شوهر را به انجام این وظیفه بخواهد یا اگر زن از انجام وظیفه معاضدت خوداری کند، استحقاق دریافت نفقه را نخواهد داشت. لیکن از آنجایی که سخن از سلامت معنوی است، صحبت از ضمانت اجراهای حقوقی خارج از موضوع بحث است.

پرهیز از خشونت

خشونت هر چند واژه‌ای که بی‌نیاز از تعریف به نظر می‌رسد اما برای درک مصادیق آن نیازمند توضیح است. در «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» که در دولت به تصویب رسیده و برای طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی ارایه شده است، در ماده ۱ آن خشونت اینگونه تعریف شده است: «هر رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که به جهت جنسیت یا موقعیت آسیب‌پذیر یا نوع رابطه مرتکب، بر زن واقع شود و موجب ورود آسیب یا ضرر به جسم یا روان یا شخصیت، حیثیت و یا محدودیت یا محرومیت از حقوق و آزادی‌های قانونی وی گردد». بنابراین خشونت می‌تواند شامل طیفی از رفتارهای شدید آسیب‌زا تا عکس‌العمل‌های منفی و ترک فعل هم‌چون کم‌توجهی و بی‌تفاوتی را نیز شامل شود.

روابط جنسی مطلوب

داشتن روابط جنسی متعارف و مطلوب یکی از مصادیق حسن معاشرت است که در سلامت روان زوجین بسیار موثر است. یکی از عوامل طلاق که به دلیل مختلف کمتر به آن توجه شده است و معمولاً در دادخواست‌های طلاق که از سوی خانمها ارایه می‌شود، به آن اشاره نمی‌شود مساله نارضایتی در مسائل جنسی است. مسائلی

مساحقه است و ماده ۶۳۷ نیز به بحث رابطه نامشروع غیر از زنا اشاره دارد.

سلامت معنوی خانواده در پرتو حیات طیبه زوجین اگر در رابطه خود مبنای قرآنی را مد نظر قرار دهند و به آن عمل کنند، سلامت معنوی خود و خانواده را برای رسیدن به حیات طیبه قرآنی تقویت می‌کنند. از آنجایی که کاربست مبنای قرآنی در رابطه زوجین مصداق کاملی از ایمان و عمل صالح است که خداوند به آن وعده داده است «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۷)، آیه شریفه یک قاعده کلی را اعلام کرده است، عمل صالح که از نیروی ایمان و تقوا صادر می‌شود، ظهور حیات معنوی، روانی است و زندگی طیب و پاکیزه است، یعنی بینش حقیقت و معرفت پروردگار و اعتقاد به ارکان توحید و نیز قیام به اداء وظایف دینی است و ظهور ایمان در خارج می‌باشد، آیه صراحتاً بیان می‌کند هر گونه عمل صالح و شایسته از مرد و زن اهل ایمان صادر شود، بی‌نتیجه نخواهد بود، به سبب اینکه هر کدام مستقل در اراده‌اند و عمل هر یک مورد تقدیر پروردگار و حیات روانی آن‌ها است و کرامت برای مرد و زن، ایمان، تقوا، اخلاق فاضله، علم نافع و صبر است. ایمان به ارکان توحید و معرفت صفات پروردگار صورت علمی و اعتقادی و حیات روانی است که به وی افزوده می‌شود و این حیات معنوی غیر از حیات مادی و جسمانی است. حیات طیب و پاکیزه یعنی حیات معنوی که در اثر معرفت به صفات خداوند حقایق را یافته و اعتقاد پیدا کرده است. لازمه ایمان و علم به صفات خداوند، اعتقاد به قدرت و احاطه و اعتماد به پشتیبانی خدا است و با این اعتقاد ثابت در بحران‌های زندگی متزلزل نشده و سلامت معنوی خود را حفظ می‌کند (نک: ۲۲).

بنابراین اگر هر یک از زوجین در رابطه خود با دیگری به این آیه اقتدا کند و در تمام شؤون روابط، خدا را در نظر داشته باشد، بنیان خانواده حفظ شده و به سلامت معنوی نائل می‌شوند، چون آیه حکمی است نظیر تأسیس قاعده‌ای برای هر کس که عمل صالح انجام دهد و عمل به تک تک مبنای قرآنی در روابط زوجین عین عمل صالح است. باید توجه داشت که در جمله «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» حیات به معنای جان انداختن در چیزی و افاضه حیات به آن است، این جمله با صراحت لفظش دلالت می‌کند که خداوند به مؤمنی که عمل صالح انجام دهد حیات جدیدی غیر از آن حیاتی که به دیگران داده زنده می‌کند و مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می‌دهد. کسانی که دل‌هایشان متعلق و مربوط به پروردگار حقیقی‌شان است در نفس خود نور، کمال، قوت، عزت، لذت و سروری را درک می‌کند که این امور در حد توصیف کم و کیف نیست. خداوند این آثار را بر حیاتی مترتب کرده که آن را مختص به مردم با ایمان و دارای اعمال صالح دانسته، که این حیات قوی‌تر، روشن‌تر و واجد آثاری

همچون شرم، ترس از قضاوت شدن و فضای حاکم بر جامعه و محاکم دادگستری موجب می‌شود که این موضوع به طور عیان مورد استناد قرار نگیرد اما پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد یکی از عوامل پنهان ناسازگاری زوجین و به ویژه خانم‌ها مسائل مربوط به فقدان رضایتمندی جنسی است که حاصل تجمع عوامل عاطفی، روانی و جسمی است (۶۵) نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که ۵۰ تا ۶۰ درصد طلاقها ریشه در عدم رضایت جنسی دارد (۳۲) بین رضایت‌مندی زناشویی و رضایت‌مندی جنسی با سلامت روان‌شناختی زوجین ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد با افزایش رضایت‌مندی جنسی سلامت روانی آنان نیز به طور معناداری افزایش می‌یابد. ضریب همبستگی رضایت جنسی با سلامت روان در گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ سال بیشتر از سایر گروه‌های سنی است اما میزان همبستگی رضایت جنسی با سلامت روان در همه دوره‌های سنی به نسبت تقریباً یکسانی وجود دارد (۶۵).

با وجود اهمیت موضوع در فقه و حقوق به این موضوع کمتر توجه شده است. از کلام فقها اینطور استفاده می‌شود که در خصوص رابطه جنسی بیش از هر چهارماه یک بار حقی برای زن قائل نشده‌اند (۶۸ و ۶). اما این امر موضوعی است که با قاعده لاضرر، لاجرح قابل رفع است و قاعده «معاشرت به معروف» و همچنین قاعده «موازنه و تعادل میان حقوق و تکالیف زوجین» حق جنسی زن را اثبات می‌کند و با حکمت خداوند نیز سازگاری بیشتری دارد (۴۶).

وفاداری

از حیث حقوقی و بنا بر برخی تعارف ازدواج عقدی است که به هر یک از زوجین حق استفاده و تمتع جنسی را به وجه مشروع از دیگری را می‌دهد (۵۴). البته بدیهی که استفاده جنسی غرض اصلی ازدواج نیست و در تعریفی کلی‌تر باید گفت ازدواج عقدی است که به موجب آن زن و مردی، به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی با هم پیمان می‌بندند و متحد می‌شوند (۳۵) در عقد ازدواج مانند هر عقدی هر یک از طرفین تعهداتی بر عهده می‌گیرند که یکی از این تعهدات تعهد به وفاداری است و نقض این تعهد نیز خیانت نامیده می‌شود. البته بدیهی است تعهد به وفاداری یا عدم خیانت صرفاً تعهدی قراردادی نیست و بلکه اخلاقی، شرع و قانون نیز این تعهد را بر عقد بار می‌کند. در حقوق نیز نقض وفاداری خیانت شمرده می‌شود و به معنی برقراری رابطه نامشروع با دیگران است (۵۴). از نظر روانشناسی نیز خیانت یا عهدشکنی زناشویی به نوعی درگیری جنسی، عاطفی یا عاطفی-جنسی با فردی غیر از همسر تعریف می‌شود (۵۵) که مصداق این تعریف در حقوق نیز کاربرد دارد به طوری که نقض وفاداری در حقوق در دو عنوان جداگانه «زنا» و «رابطه نامشروع» بررسی می‌شود. مواد ۲۲۱ تا ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی مربوط به مباحثی همچون زنا، لواط، تفخیز و

۱. هر کس- از مرد یا زن- کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

References

- The Holy Quran
1. Abbasi, Mahmoud et al., (1393), Spiritual health in end-of-life care in the health system, Quarterly Journal of Medical Ethics, Volume 8, Number 30, p 118
 2. Abo al-fotuh Razi, Hossein Ibn Ali, (1408), Roz Al-janan va Ruh Al-janan fi Tfsir Al-quran, Mashhad, Astan Qos Razavi, vol 5; p 297
 3. Abu obeyde, Qasem, (1990), Al-gharib Al-monsef, research Mohamad Mokhtar, Tunes, Almoasese Alvatanie Letarjome va Tahqiq, vol 1; 179,
 4. Alizadeh Noq Bahrman, Fatemeh, (1399), Factors Affecting Emotional Divorce and Marital Boredom of Couples, Quarterly Journal of New Approaches in Islamic Studies, Volume 2, Number 3, p 121.
 5. Ameli, Ali Bin Hosein, (1413), Al-wajiz fi Tafsir Al-quram Al-aziz, Qom, Dar Al-quran Al-karim, vol 1; p 311,
 6. Ameli, Zeyd Al-din Bin Ali, (1413), Masalek Al-afham ela Tanqih Sharaye Al-islam, 1th, Qom, Al-ma'aref Al-islamiyeh, vol 7; p 66.
 7. Atai, Samira, (1392), The relationship between purposefulness and value of life with human health from the perspective of the Quran, Master Thesis, Faculty of Theology and Islamic Studies, Qom University., p 60-61
 8. Azdi, Abdollah Ibn Mohamad, (1387), Kitab Al-ma, Tehran, Iran Medical University, Institute of Medical History Studies, vol 3; p 893,
 9. Azhari, Muhammad bin Ahmed, (2001), Tahzib Al-loqah, vol 1, Beirut: Dar Al-Torath Al-Arabi. p 220.
 10. Balaghi Najafi, Mohammad Javad, (1420), Alaa Al-Rahman fi Tafsir Al-Qur'an, Qom, Besat Foundation, vol 1; p 162, vol 2; p 104,

بیشتر است (نک: ۶۴)؛ و این همان رسیدن به سلامت کامل با حاکمیت و محوریت سلامت معنوی است. اگر زوجین به سلامت معنوی دست یابند بالتبع خانواده نیز به این بُعد نائل خواهند شد و در این صورت جامعه اسلامی به سمت این بُعد از سلامت حرکت خواهد کرد، چون نتیجه عمل صالح مولود ایمان در این جهان، حیات طیبه است یعنی تحقق جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود و از نابسامانی‌ها و درد و رنج‌هایی که بر اثر استکبار و ظلم و طغیان و هوا پرستی و انحصارطلبی به وجود می‌آید و آسمان و زندگی را تیره و تاریک می‌سازد در امان است (نک: ۳۹).

نتیجه گیری

قرآن به ضرورت تشکیل خانواده تأکید کرده و سفارش به فراهم‌سازی مقدمات ازدواج کرده است و نسخه کاملی برای زوجین طراحی کرده تا علی‌رغم استحکام بنیان خانواده، ابعاد سلامت زوجین و خانواده را تأمین کند. بدین منظور مبانی مختلفی را معرفی می‌کند. وصول به آرامش؛ قرآن یکی از مهم‌ترین مبنای رابطه زوجین را تأمین آرامش زوجین در کنار هم می‌داند که از لوازم هم‌سنگ بودن زوجین است. مبنای دیگر در رابطه زوجین، رحمت و مودت است که در صورت فقدان این مبنا زندگی خانوادگی با چالش‌های مواجهه می‌شود، ظهور و بروز رحمت و مودت در رابطه زوجین، سلامت معنوی را تقویت می‌کند. یکی از اصلی‌ترین مبنای قرآنی در رابطه زوجین است که در جامعه فعلی تا حدی نادیده گرفته شده و در نتیجه سلامت معنوی خانواده تضعیف است. مبنای رابطه عاشقانه با تعبیر «لباس هم بودن» است که بر زوجین تکلیف شده تا کمال عشق و علاقه خود را به یکدیگر نثار کنند و این مبنا علی‌رغم تحکیم بنیان خانواده، باعث تقویت سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و از همه مهم‌تر معنوی زوجین و خانواده می‌شود.

مبنای دیگر، رفع نیازهای زن تحت عنوان خدمتکاری مرد به زن و لایق بودن زن برای مرد است که از زوجین انتظار یک مرد و زن ایده آل برای هم به تصویر کشیده شده است. همچنین مبنای معاشرت شایسته که با سطوح معاضدت و همکاری زوجین، پرهیز از خشونت، روابط جنسی مطلوب و وفاداری بازنمایی می‌شود، این مبنای قرآنی به نوبه خود در رابطه زوجین تأثیر چشم‌گیری دارد و کاربست آن باعث تقویت بنیان خانواده متناسب با سبک زندگی اسلامی شده و تمام اعضای خانواده به سبب وجود گفت‌وگو معاشرت مبتنی بر کرامت و احترام متقابل دارای شخصیت معنوی سالم خواهند بود. نهایتاً کاربست مبانی قرآنی مذکور در روابط زوجین، سلامت فردی زوج‌ها و خانواده را برای رسیدن به «حیات طیبه» قرآنی تقویت می‌کند و حیات طیبه همان رسیدن به سلامت کامل با حاکمیت و محوریت سلامت معنوی است و اگر زوجین به سلامت معنوی دست یابند بالتبع خانواده نیز به این بُعد نائل خواهد شد و در این صورت جامعه اسلامی به سمت این بُعد از سلامت حرکت خواهد کرد، چون نتیجه عمل صالح مولود ایمان در این جهان حیات طیبه است یعنی جامعه‌ای قرین با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، محبت، دوستی، تعاون و مفاهیم سازنده انسانی خواهد بود.

- the Quran, Tehran, Lotfi, vol 7; p 190, vol 4; p 5, vol 9; p 536.
23. Ibn Asir Jazari, Mobarak ibn Mohamad, (1367), Anahaye fi Gharb Al-hadis va Al-asar, Qom, Ismailiun Institute, 4th ed. Vol 1; p 85,
 24. Ibn Atiye Andolisi, Abdolhaq, (1412), Al-moharer Al-wajiz fi Tafsir Al-kitab Alaziz, Beirut, Dar Al-kotob Al-emiye, vol 2; p 48,
 25. Ibn Fares, Ahmad, (1404), Mojam Al-maqabis Al-loghat, vol 1, Qom, Maktab Al-alam Al-Islami. vol 1; P 150. P 166, vol 3; p 88, vol 5; p 31,
 26. Ibn Kasir Dameshqi, Ismail, (1419), Tafsir Al-quran Al-azim, Beirut, Dar al-kotob Al-elmiye. vol 2; p 256
 27. Ibn Manzur, Mohamad, (1414), Lisan Al-arab, Beirut, Dar Sader. vol 12; p 39,
 28. Inb Jazari Gharnati, Mohamad Ibn Ahmad, (1416), Kitab Al-tashil Leolum Al-tanzil, Beirut, Dar Al-arqam Bin abi Al-arqam. Vol 1; p 191,
 29. Johannes, Thor, (1391), Religion and Spirituality in Psychotherapy and Counseling Adler's approach with emphasis on psychotherapy and counseling with Muslims, Translator: Farideh Barati Sedeh, Roshd. p 15,
 30. Jouhari, Ismail Ibn Hemad, (-), Al-Sehah; Taj Al-loghah va Sehah Al-arabiyah, Beirut, Dar Al-elm Lelmelain, vol 4: p 1629, vol 5 p. 1868, p 2017,
 31. Jouhari, Ismail Ibn Hemad, (1407), Al-Sehah, Beitut, Dar Al-elm Lelmoalin.
 32. Karimi, Aqdas, Salmeh Dadgar, Maliheh Afit, Nafiseh Rahimi, (1391), "Study of the effect of sexual health education on sexual satisfaction of couples", Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility, Volume 15, Number 42, p 24
 33. Kashani, Mohamad Ibn Morteza, (1410), Tafsir Al-moein, Qom, Ayatollah Marashi Najafi Library,
 11. Bano Isfahani, Nosrat Amin, (1361), Makhzan Al-Irfan fi Tafsir Al-Quran, Tehran, Muslim Women Movement. vol 4; p 63,
 12. Baydawi, Abdullah bin Omar, (1418), Anvar Al-tanzil va Asrar Al-tavil, Beirut: Dar Ihya Al-toras Al-arabi, vol 2; p 72,
 13. Boalhari, Jafar et al., (1391), Teaching Spiritual Skills: Special Book for Instructors, Ministry of Science, Research and technology: Central Counseling Office, Tehran University of Medical Sciences: Tehran Institute of Psychiatry and Mental Health Research Center, Student Counseling Center University of Tehran, p 41-44,
 14. Davoodi, Maryam, Mohammadi, Fariborz, (1391), Sociological Factors Affecting Emotional Divorce among Tehranian Families, Journal of Women's Strategic Studies, No. 56, p 125.
 15. Fakhr Razi, Abo Abdollah Mohammad, (1420), Mafatih Al-gheib, Beirut, Dar Ihya Al-toras Al-arabi, 3th, vol 10; p 70,
 16. Farahidi, Khalil Bin Ahmad, (-), Al-ein, Qom, 2th, vol 4; p.89, vol 5; 312,
 17. Feiz Kashani, Molla Hasan, (1415), Tafsir Al-safi, Tehran, Al-sadr Publishing, 2th,
 18. Feiz Kashani, Molla Hasan, (1418), Al-asfa fi Tafsir Al-quran, Qom, Islamic Propaganda Office Publishing Center, vol 1, p 418, p 89, p 207,
 19. Forootan, Seyed Mohsen, (1396), Islamic spiritual health from the perspective of the late Professor Dr. Mohammad Mehdi Isfahani, Journal of Health Promotion, p 22.
 20. Gonabadi, Soltan Mohamad, (1408), Tafsir Bayan Al-sa'adah fi Maqamat Al-ebadah, Beirut, Al-Alame Foundation for Publications, 2th, vol 2; p 222, p 15,
 21. Haqi Brusuy, Ismail, (-), Tafsir Ruh Al-Bayan, Beirut, Dar Al-Fikr. Vol 2; p 201,
 22. Hoseini Hamedani, Mohammad, (1404), Bright light in the interpretation of

45. Nishaburi, Nezam Al-din Hasan, (1416), Tafsir Gharaib Al-quran va Raghhaib Al-forqan, Beirut, Dar Al-kotob Al-elmiah, vol 2; p 409,
46. Nobahar, Rahim, Hosseini, Seyed Umm Al-Mubinin, (1397), Limits of sexual relations between husband and wife in the framework of the rule of association with the famous, Journal of Family Studies, Volume 14, No 53, p 82.
47. Qomi Mashhadi, Mohamad bin Mohamadreza, (1368), Tafsir Kanz Al-daghaiq va Bahr Al-gharaib, Tehran, Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance, vol 3; p 396
48. Qorshi, Seyed Aliakbar, (1377), Tafsir Ahsan Al-hadis, Tehran, Besat Foundation, 3th, vol 7; p 214, vol 2; 354, p 330,
49. Ragheb Isfahani, Hossein Ibn Mohammad, (1374), singulars of Quranic words, Tehran, 2th ed. Vol 2; p234, vol 3; p 268,
50. Ragheb Isfahani, Hossein Ibn Mohammad, (1412), singulars of Quranic words, Beirut, Dar Al-Qalam. p 96, 226,
51. Rashi Al-din Meybodi, Ahmad Ibn abisad, (1371), Kashf Al-asrar va Odat Al-abrar, Tehran, Amir Kabir, 5th, vol 2; p 492
52. Sabzevari, Seyed Abd Al-ala, (-), Jame Al-ahkam Al-sharia, Qom, Almanar, 9th, p 576
53. Sadeqi Tehrani, Mohamad, (1419), Albalaq fi Tafsir Al-quran belquran, Bija, p 84,
54. Safaei, Seyed Hossein, Emami, Assadollah, (1397), Brief in Family Law, 50th Edition, Tehran, Mizan Publishing, p 131- 132, 30,
55. Samadi Kashan, Sahar, Mohadeseh Pourqanad, Mohammad Sadeq Zamani Zarchi, (1398), Marital Infidelity: Exploring Perspectives, Factors and Consequences, Journal of Psychological Development, No. 4, consecutive 37.p 166.
34. Kashani, Mollah fathallah, (1336), Tafsir Manhaj Al-sadeqin fi Elzam Al-khalefin, Tehran, Elmi Bookstore, vol 2; p 456,
35. Katuziyan, Naser, (1375), Civil Law: Family, 4th, Tehran, Sahami Intishar co, vol 1, p 4, 20,
36. Khaksari, Zahra and Zohreh Khosravi, (1391), God; And positive and negative perception of him and its relationship with students' self-esteem and mental health, Psychology of Religion, Volume 5, Number 2, p 84
37. Khorashadizadeh, Fatemeh et al., (1394), Analysis of the concept of spiritual health in Islamic teachings, Nursing Care Research Center of Iran University of Medical Sciences (Iranian Journal of Nursing), Volume 28, Number 97, p 44
38. Khuei, Seyyd Abolqasem Musavi, (1410), Menhaj Al-Salehin, Qom, Madineh Elm, vol 2; 291
39. Makarim Shirazi, Naser (1374), Namouna Interpretation, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyya, 1th, vol 14; 457, vol 16; p 391, vol 1; p 650, vol 3: p 369, p 371, p 320, vol 11; p 390.
40. Mohali, Jalal Al-din & Jalal Al-din Seyvati, (1416), Tafsir Al-jalalein, Beirut, Al-noor le Matboat foundation, p 87,
41. Moqadas Ardebili, Ahmad Bin Mohammad, (-), Zobdah Al-bayan fi Ahkam Al-quran, Tehran, Mortazawi Bookstore, vol 2; p 537,
42. Mostafawi, Hasan, (-), Al-tahqiq fi Kalamat Al-quran Al-karim, Beirut, Dar Al-hotob Al-elmiah, p 168-169. vol 5; 159, vol 9; p 341,
43. Mushkour, Mohammad Javad, (1357), Comparative Arabic Culture with Semitic and Iranian Languages, Iranian Culture Foundation, vol 2; 731-732,
44. Nishaburi, Mahmud Bin Abolhasan, (1415), Ijaz Al-bayan an Ma'ani Al-quran, Beirut, Dar Al-gharb Al-islami, vol 1; p 238,

66. Taleqani, Seyed Mahmoud, (1362), A Ray of the Quran, Tehran: Sahami Intishar Co., 4th, vol 2; p 72, vol 6; p 42,
67. Tayyeb, Seyyed Abdolhosein, (1378), Atib Al-bayan fi Tafsir Al-quran, Tehran, Islam Publishing, 2th, vol 4; p 41.
68. Toosi, Abo Jafar Mohammad, (1400), Al-nahaye fi Mojarad Al-fiq va Al-fatawi, 2th, Beirut, Dar Al-kitab Al-arabi, p 482
69. Toosi, Mohammd Ibn Hasan, (-), Al-tebyan fi Tafsir Al-quran, Beirut, Dar Ihya Al-toras Al-arabi, vol 3; p 189.
70. Zamakhshari, Mahmud Bin Omar, (-), Asas Al-balaghah, Beirut, Dar Sader, p 421,
71. Zamakhshari, Mahmud, (1407), Al-kashef an Haqaeq Ghavamaez Al-tanzil, Beirut, Dar Al-kitab Al-arabi, vol 1; 505,
56. Samarqandi, Nasre Ibn Mohamad, (-), Bahr Al-olum, vol 1; p 300,
57. Sayeh Miri, Kourosh et al., (1395), The validity of the Spiritual Health Questionnaire from the perspective of Islam, Journal of Medical Sciences, Islamic Azad University, Volume 26, Number 2, p 109.
58. Shah Sanaei, Mohammad Reza and Seyyed Kazem Tabatabai, A Study of the Theory of Minimal Hijab on the Status of Veil in the Age of Ignorance and in the Early Islam, Quarterly Journal of Historical Research, 34, Summer 1396, p 96,
59. Shebar, Seyed Abdollah, (1407), Al-javaher Al-samin fi Tafsir Al-kitab Al-mobin, Kuwait, Maktab Alalefin, vol 2; p 41.
60. Surabadi, Abubakr Atiq, (1380), Surabadi Interpretation, Tehran, Farhang Shar nou, vol 1; p 412,
61. Tabari, Abo Jafar Mohamad, (1412), Jame Al-bayan fi Tafsir Al-quran, Beirut, dar al-ma'refah, vol 5; p 37,
62. Tabarsi, Fazl Ibn Hasan, (1372), Majma Al-bayan fi Tafsir Al-quran, Tehran, Naser Khosro publishing, 2th, vol 3; p 69,
63. Tabarsi, Fazl Ibn Hasan, (1377), Tafsir Javame Al-lavame, Tehran, University of Tehran Press and Qom Seminary Management, vol 1; p 105, p 253, p 245,
64. Tabatabaei, Seyed Mohamad Hosein, (1417), Al-mizan fi Tafsir Al-quran, Qom, Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association, 5th, vol 15; p 113, vol 8; p 374, vol 16; p 166, vol 2; p 45, vol 4; p 343, p 344, p 255, vol 12; 341-343
65. Talaizadeh, Fakhri, Bakhtiarpour Saeed, (1395), "The Relationship between Marital Satisfaction and Sexual Satisfaction with Couples' Mental Health", Journal of Thought and Behavior, Volume 10, Number 40, p 42.